

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۱/۳۰

موضوع: ادله شهادت ثالثه (۶)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

بحث ما در این رابطه بود آقایانی که خود را اهل سنت می نامند، بخاطر اینکه همانند شیعه عمل نکنند و مخالفتشان را با تشیع و پیروان اهل بیت اعلام کنند، حاضرند از سنت فرار کنند و سنت را ترک کنند. ما در جلسه گذشته دو مورد روایت در این خصوص عرض کردیم.

یکی از مواردی که اهل سنت بسیار نسبت به آن حساس هستند و ادعا می کنند به دلیل اینکه شعار شیعه شده است ما باید آن را ترک کنیم تا مشتبه به شیعه یا متهم به رافضه نشویم، بحث تسطیح قبر یا تسنیم قبر است.

البته قضیه تسطیح قبر یا تسنیم قبر در میان اهل سنت بحث مفصلی دارد مبنی بر اینکه آیا وقتی میت را در قبر می گذارند، قبر باید با سطح زمین یکنواخت باشد یا مقداری خاک به اندازه یک وجب بالا بیاید و همانند کوهان شتر باشد.

آقایان از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، خلفا، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و دیگر صحابه روایاتی نقل می کنند در رابطه با اینکه سنت تسطیح قبر است به این معنا که باید قبر را مسطح کرد.

حال سؤال اینجاست که آیا باید قبر را با زمین یکنواخت کرد یا اگر مقداری بالا بیاید هموار باشد و سطح آن برابر باشد اشکالی ندارد!! همچنین مسنم باشد به معنای این است که از سطح زمین بالا بیاید یا به حالت کوهان شتر دربیاید.

ما فعلاً با تسطیح و تسنیم به هر معنا باشد کاری نداریم. آقای «رافعی» متوفای ۶۲۳ هجری از قول «قاسم بن محمد بن ابی بکر» می‌گوید:

«رأیت قبر النبی صلی الله علیه وسلم وأبی بکر وعمر رضی الله عنهما مسطحة»

خودم قبر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابوبکر و عمر را دیدم که مسطح بود و مسنم نبود.

«وقال ابن أبی هريرة إن الافضل الآن العدول من التسطیح إلى التسنیم»

ابن ابی هریره می‌گوید: قطعاً هم اکنون افضل این است که قبر را مسطح نکنیم.

«لان التسطیح صار شعارا للروافض»

به خاطر اینکه مسطح کردن قبر، شعار روافض است.

«فالاولی مخالفتهم»

بهتر این است که مسطح کردن قبر را ترک کنیم تا مخالفت خود را با شیعه اعلام کنیم.

واقعاً باید به این تسنن مرحباً گفت!!

«وصيانة الميت وأهله عن الاتهام بالبدعة»

تا میت و خانواده او را از متهم شدن به بدعت حفظ کنیم.

فتح العزيز بشرح الوجيز ؛ الشرح الكبير [وهو شرح لكتاب الوجيز في الفقه الشافعي لأبي حامد الغزالي
(المتوفى: ٥٠٥ هـ)]، المؤلف: عبد الكريم بن محمد الرافعي القزويني (المتوفى: ٦٢٣ هـ)، الناشر: دار
الفكر، ج ٥، ص ٢٣٠ - ٢٣٢، باب كتاب الطهارة

ما واقعاً نمی‌دانیم این دین، چطور دین و مذهب و اهل سنتی است که حاضر است سنت را رسماً ترک کند تنها
به خاطر اینکه به پیروان اهل بیت (علیهم السلام) مشتبه نشود

آقای «محمد بن عبدالرحمن دمشقی» که حدود سال ٧٨٠ هجری از دنیا رفته‌اند، کتابی به نام «رحمة الامة في
اختلاف الائمة» دارند که در این کتاب می‌گوید:

«السنة في القبر التسطیح»

سنت در قبر چنین است که باید مسطح باشد.

«وهو أولى من التسنيم على الراجح من مذهب الشافعي»

در مذهب شافعی اولویت این است که قبر مسنم و برآمده شود.

«وقال الثلاثة أبو حنيفة ومالك وأحمد: التسنيم أولى، لأن التسطیح صار شعاراً للشيعة»

سه رئیس از رؤسای مذاهب اربعه می‌گوید: ترک سنت اولی است، زیرا تسطیح از شعائر شیعه هست!

در زمان بنی امیه دستور دادند خلاف هر حکمی از احکام از امیرالمؤمنین که منتشر می‌شود را در جامعه منتشر

کنید. «خذ بما خالف العامة»؛ دروغ در جامعه منتشر کنید!! کسانی که خلاف سنت و به خاطر مخالفت با

امیرالمؤمنین کارهایی انجام می‌دهند اهل سنت هستند!

ما در گذشته روایتی بیان کردیم مبنی بر اینکه وقتی «سعید بن جبیر» نقل می‌کند همراه «ابن عباس» در منا بودیم که پرسید:

«یا سعید، ما لی لا أسمع الناس یلبون؟»

ای سعید، چرا مردم اللهم لیبیک نمی‌گویند؟

«فقلت: یخافون معاویة»

گفت: این افراد از معاویه می‌ترسند.

«فخرج ابن عباس من فسطاطه، فقال: لیبیک اللهم لیبیک، وإن رغم أنف معاویة، اللهم العنهم، فقد ترکوا

السنة من بغض علی»

در این حال ابن عباس از خیمه خود بیرون آمد و با صدای بلند گفت: لیبیک اللهم لیبیک، خدایا لعنت کن کسانی را که سنت پیغمبر اکرم را به خاطر بغض علی بن ابی طالب ترک کردند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۱، ص

۶۳۶، ح ۱۷۰۶

به همین خاطر «خذ بما خالف العامة» به این معنا نیست که هرچیزی اهل سنت فتوا دادند ما هم خلاف آن فتوا دهیم.

اولاً باید بگوییم که این فقط در روایات متعارضین هست به این معنا که اگر دو روایت با هم متعارض بودند؛ در یک مورد می‌گوید فلان حکم این چنین است و در جای دیگر می‌گوید فلان حکم خلاف این است.

«خذ بما خالف العامة» بخاطر این است که آنچه عامه نقل می‌کنند یا از روی کینه و یا به خاطر بغض با علی ابن ابی طالب بوده است.

همچنین شیخ انصاری در رسائل در جلد اول صفحه ۶۱۵ (چاپ جدید جلد ۴ صفحه ۱۲۵) و محدث جزائری در زهر الربیع صفحه ۵۲۲ نقل می‌کنند که از «ابو حنیفه» سؤال کردند: وقتی ما به سجده می‌رویم چشممان باز باشد یا بسته؟!؟

او در جواب می‌گوید: من نمی‌دانم؛ امام صادق دستور می‌دهد چشمتان را در سجده ببندید من می‌گویم چشمتان را باز کنید، اما اگر دستور می‌دهد چشمتان را باز کنید من می‌گویم چشمتان را ببندید. از روی احتیاط یک چشمتان را باز کنید و یک چشمتان را ببندید!

دلیل او بر این فتوا این است که مخالفت قطعی با امام صادق باشد، زیرا اگر امام صادق هر دو چشمش را ببندد هم ما مخالفت کردیم به جهت اینکه ما یک چشممان را بستیم! همچنین اگر بگوید هر دو چشمتان را باز کنید باز هم مخالفت کردیم، زیرا یک چشممان را باز کردیم!

این قضایا نقل شده است و ما روی سند آن نمی‌خواهیم زیاد تفحص کنیم که واقعیت دارد یا خیر، اما مبنا بر این است.

«ابن تیمیه» هم در جای دیگری می‌گوید: تعدادی از بزرگان ما کتابی به نام «فیما خالفت الصحابه علی بن ابی طالب»؛ «صحابه خلافا لعلی فتوا دادند» نوشته‌اند. این عبارت از «مبارکفوری» در «تحفه احوذی شرح جامع ترمذی» است. او می‌گوید:

«بأن المسطح يشبه ما يصنع للجلوس بخلاف المسنم»

مسطح کردن قبر شبیه سکو هست که افراد در آنجا می‌نشینند برخلاف مسنم که مانند کوهان شتر می‌باشد.

«و رجحه بن قدامة بأنه يشبه أبنية أهل الدنيا»

ابن قدامة تسنیم را ترجیح داد، زیرا مسطح کردن شبیه ساختمان‌های اهل دنیا است.

زمانی که مردم اهل دنیا خانه می‌سازند، سکویی هم می‌سازند و روی آن می‌نشینند. اگر ما قبرها را همانند سکو درست کردیم و کاملاً مسطح و هموار شد، شبیه آن‌هاست.

«وهو من شعار أهل البدع»

مسطح کردن یکی از شعائر اهل بدعت است.

«فكأن التسنيم أولى»

بنابراین تسنیم اولویت دارد.

[تحفة الأحوذی - المبارکفوری]، الكتاب: تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، المؤلف: محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المبارکفوری أبو العلا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۴، ص ۱۳۰، باب ما جاء فی تسوية القبر، ح ۱۰۴۹

انسان واقعاً نمی‌داند به این فتاوی بخندد یا گریه کند و به این تفکر مرحبا بگوید یا فاتحه بخواند! «بیهقی» در کتاب «معرفة السنن و الآثار» جلد ۳ صفحه ۱۸۸ می‌گوید:

« و قد استحَب بعض أهل العلم من أهل الحديث التسنيم في هذا الزمان لكونه جائزاً بالإجماع»

بعضی از اهل علم گفته‌اند که تسنیم در این زمان مستحب است و حرام نیست.

«وَأَن التسطح صار شعاراً لأهل البدع»

و مسطح کردن قبر شعار اهل بدعت است.

«کیلا یكون سبباً لإطالة الألسنة فيمن فعل ذلك بقبره وهو منزه عنه»

اگر کسانی قبرها را مسطح کنند مردم می‌گویند آن‌ها شیعه هستند، علی‌رغم اینکه از تشیع منزّه هستند.

معرفة السنن والآثار عن الامام أبي عبد الله محمد بن أدریس الشافعی، اسم المؤلف: الحافظ الامام أبو بكر أحمد بن الحسين بن علی بن موسی أبو أحمد. البيهقی. الخسروجردی، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - بدون، الطبعة: بدون، تحقيق: سيد كسروی حسن، ج ۳، ص ۱۸۸، ح ۲۱۸۱

اگر قبر را مسطح کنیم خانواده و صاحب قبر به تشیع متهم می‌شوند.

عزیزان به آدرس‌هایی که بنده می‌دهم دقت کنند و آن‌ها را با دقت یادداشت کنند.

بعضی از بزرگواران همانند مرحوم «علامه امینی» در کتاب «الغدیر» به این مطلب اشاره کرده‌اند، اما مصادری که در اختیار «علامه امینی» بوده است در اختیار ما نیست و ما نتوانستیم کتاب‌هایی که این بزرگوار به آن اشاره کرده را پیدا کنیم.

آدرس‌هایی که بنده خدمت دوستان عرض می‌کنم، آدرس‌های دقیق از نرم افزار «مکتبه اهل بیت» می‌باشد. شما این آدرس‌ها را به این شکل مرتب در هیچ منبع دیگری نمی‌بینید. کسی که در این زمینه به طور مفصل وارد شده است، آقای «شیخ علی آل محسن» یکی از بزرگان و علمای شیعه عربستان سعودی از مناطق قطیف و احصاء است. ایشان کتابی به نام «لله ثم للحقیقة» دارد که به عنوان کتاب برگزیده سال ولایت انتخاب شد.

ایشان عمدتاً متأثر از فرمایشات «مرحوم علامه امینی» آدرس‌هایی که این بزرگوار داده را در پاورقی ذکر کرده یا از برخی علمای شیعه آورده است. به عنوان مثال «صراط مستقیم» اثر یکی از علمای شیعه به نام «عاملی» است که اصلاً برای حرفش سندی ذکر نمی‌کند. ما این مباحث را باید از سرمنشأ آن که کتب فقهی اهل سنت هست، بگیریم. با این حال این آدرس‌ها در ذهن عزیزان باشد.

آقای «ابن قدامه مقدسی» یکی از بزرگان فقه‌های حنبلی و مورد تأیید علمای وهابی می‌گوید:

«وَتَسْنِيْمُ الْقَبْرِ أَفْضَلُ مِنْ تَسْطِيحِهِ»

مسئم ساختن قبر بهتر از مسطح ساختن آن است.

«وَبِهِ قَالَ مَالِكٌ وَأَبُو حَنِيفَةَ وَالثَّوْرِيُّ»

مالک، ابوحنیفه و ثوری هم بر این عقیده هستند.

«وَقَالَ الشَّافِعِيُّ: تَسْطِيحُهُ أَفْضَلُ»

شافعی می‌گوید: تسطیح افضل است.

«قَالَ: وَبَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - سَطَّحَ قَبْرَ ابْنِهِ إِبْرَاهِيمَ»

پیغمبر اکرم قبر فرزندش ابراهیم را مسطح کرد.

سیره پیغمبر اکرم بر همین است.

«وَعَنْ الْقَاسِمِ قَالَ: رَأَيْتُ قَبْرَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ مُسَطَّحَةً»

قاسم بن محمد بن ابی بکر می‌گوید: خودم دیدم قبر پیغمبر اکرم، ابوبکر و عمر هم مسطح است.

او پس از اینکه می‌گوید: "پیغمبر اکرم قبر فرزند خود را مسطح کرده است"، "قبر رسول اکرم، ابوبکر و عمر هم مسطح بود؛ ادعا می‌کند که تسنیم بهتر است.

«وَلَنَا مَا رَوَى سُفْيَانُ التَّمَارِيُّ، أَنَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ قَبْرَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مُسْتَمًّا»

دلیل ما این است که سفیان تمار می‌گوید: من قبر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را مسنم دیدم.

«رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ بِإِسْنَادِهِ وَعَنْ الْحَسَنِ مِثْلَهُ»

او همچنین می‌گوید ما روایاتی داریم مبنی بر اینکه قبر پیغمبر اکرم مسنم بوده است.

«وَلَأَنَّ التَّسْطِيحَ يَشْبَهُ أُبْنِيَةَ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَهُوَ أَشْبَهُ بِشَعَارِ أَهْلِ الْبِدْعِ»

سطح کردن شبیه ساختمان‌های اهل دنیا است و شبیه به شعائر اهل بدعت است.

«فكان مكروها»

به همین خاطر این امر مکروه است.

المغنی لابن قدامة، المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠ هـ)، الناشر: مكتبة القاهرة،

الطبعة: بدون طبعة، ج ٢، ص ٣٧٧، ح ١٥٨٨

آقای «محي الدين نووي» بحث مفصلي دارد مبنی بر اینکه آیا تسطیح قبر افضل است یا تسنیم افضل است.

ایشان ادله‌ای می‌آورند برای اثبات اینکه تسطیح افضل است، «شافعی» و جماعتی از متأخرین بر این عقیده

هستند که تسطیح افضل است؛ اما در انتها می‌نویسد:

«أن التسنيم أفضل لكون التسطيح شعار الرفضة»

تسنيم افضل است، زیرا تسطيح شعار شيعه است.

المجموع شرح المذهب، ج ٥، ص ٢٩٥، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي
(المتوفى: ٦٧٦ هـ)، دار الفكر - بيروت.

او این روایت را از «ابن ابی هریره» نقل می‌کند. آقای «قسطلانی» از علمای اهل سنت در کتاب «ارشاد الساری» جلد ٢ صفحه ٤٦٨ هم موضع می‌گیرد و می‌گوید: سنت در قبر مسطح ساختن است و ما نمی‌توانیم آن را ترک کنیم به جهت اینکه شعار روافض است.

کار به جایی رسیده که می‌گویند: آتش به قدری شور شده است که صدای آشپز هم در آمده است!

«عینی» نقل می‌کند که صاحب کتاب «الهدایة» در مورد تسنیم مطالبی بیان می‌کند و می‌گوید: بزرگان ما فتوا داده‌اند که مسطح کردن درست نیست، زیرا شعار روافض است.

با این حال این مسئله را عزیزان دقت کنند که نقل می‌کنند قبر «ابراهیم» فرزند پیغمبر اکرم مسطح بوده است، قبر رسول اکرم مسطح بوده است، قبر ابوبکر و عمر هم مسطح بوده است.

روایات متعددی هم در تسطيح آوردند، اما می‌گویند: امروزه تسطيح شعار روافض شده است و ما بر خلاف سنت و عمل شيعه عمل می‌کنیم و قبر را تسطيح نمی‌کنیم!

اما این دلیل الحق برای من روشن نیست. آیا در جامعه تنها شیعیان قبرها را مسطح می‌کنند یا اهل سنت هم قبرها را مسطح می‌کردند؟!

به دلیل اینکه شیعه در برابر اهل سنت قبرها را مسطح می‌کند، اهل سنت باید به طور کلی تسطيح را ترک کنند؟! آیا ملاک این است؟! اینکه تسطيح قبر شعار روافض شده است زیاد مشخص نیست.

اگر ملاک این باشد که شیعه در کنار اهل سنت هر عمل مستحب یا واجبی انجام داد مشتبه به شیعه و متهم به رافضه نشوند، باید به صورت قاعده کلی فقهی آن را بیان کنند:

«کل مستحب یوجب التشبه بالروافض یجب ترکه»

اگر این مسئله به صورت یک قاعده کلی درآید، دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. شاید در هر جامعه‌ای التزام شیعه به مستحبات بیش از اهل سنت یا حداقل برابر اهل سنت بوده است. یا جوامع خاصی وجود داشته است که اهل سنت به این سنت عمل نمی‌کردند و تنها شیعیان به این سنت عمل می‌کردند. به همین خاطر آقایان اهل سنت به هیچ وجه نباید چنین عملی را انجام دهند که این هم ضعف اهل سنت است.

اهل سنت که خود را اهل سنت می‌نامند، چگونه سنت پیغمبر اکرم را ترک کرده بودند؟! آقایان هر طرفی را بخواهند انتخاب کنند، بازهم با مشکل مواجه‌اند.

بحث دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند: به مدینه برو و هر قبری را بلندتر یافتی با زمین یکسان کن. همچنین روایت دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه وقتی امیرالمؤمنین به حکومت رسید، تمام قبرها را با زمین یکسان کرد.

اشکالاتی به این روایات وارد شده است، زیرا اگر زمان پیغمبر اکرم ملاک است که علی بن ابی طالب مأموریت پیدا کرده است به مدینه بیاید و تمام قبرها را با زمین یکسان کند تاریخ ثابت کرده است امیرالمؤمنین قبل از هجرت به مدینه قدم نگذاشته است.

در مورد این ادعا حتی یک روایت ضعیف هم وارد نشده است. همچنین اگر می‌گویند: امیرالمؤمنین در زمان خلافت خود قبرها را یکسان کرده است!

آیا در جامعه‌ای قبرها را یکسان کردند که زمان ابوبکر و عمر و عثمان فتح شده بود است؟!

اگر این مناطق فتح بوده است، چرا ابوبکر و عمر و عثمان به این سنت پیغمبر اکرم عمل نکرده بودند و سنت پیغمبر اکرم را ترک کرده بودند؟! حال آنکه رسول الله فرموده بودند: هیچ قبری نگذارید، مگر اینکه با خاک یکسان کنید.

بنابراین این نقصی است که بر ابوبکر و عمر و عثمان است که سنت پیغمبر اکرم را ترک کردند. همچنین اگر می‌گویید امیرالمؤمنین دستور داده قبرهای مناطقی که فتح کرده را یکسان کنند، معلوم است آن قبور متعلق به کفار بوده است و هیچ ارتباطی به مسلمانان ندارد.

این افراد هر طرفی بخواهند بپیچند با مشکل مواجه‌اند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته